

پیامدهای امنیتی، پیمان ابراهیم بر راهبردهای دفاعی ج.ا.ایران

محمد جلال ترکاشوند^۱، حسین مهدیان^۲، حجت‌الیه جهانی راد^۳، سید محمد کلاترینیا^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۷

چکیده

موضوع پژوهش حاضر این است که پیامدهای امنیتی، عادی سازی روابط همسایگان جنوبی ج.ا.ایران با رژیم صهیونیستی که به پیمان ابراهیم موسوم شده، بر راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی ایران چه تاثیری بر جای خواهد گذاشت؟ کشورهای مورد مطالعه در این تحقیق به شکل مشخص امارات متحده عربی، بحرین، عربستان سعودی و عمان می‌باشند؛ همچنین روش برگزیده شده از دسته تحقیقات کیفی بوده و گردآوری اطلاعات در چارچوب فیش برداری با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل ثانویه اسناد و داده‌های دریافت شده از پایگاه‌های اطلاعاتی اعم از کتابخانه، وبگاه‌های اینترنتی و... بوده است. فرضیه مطرح شده بر این دیدگاه که ارتباط رژیم صهیونیستی با همسایگان جنوبی منجر به این خواهد شد که در نهایت رژیم صهیونیستی بیش از گذشته به مرزهای جمهوری اسلامی ایران نزدیک خواهد شد و به صورت غیر مستقیم به مرزهای دریایی جنوب ایران دسترسی هموارتری خواهد داشت. اهمیت بررسی این موضوع از این جهت بیش از پیش خواهد شد که نخست این رژیم زمینه‌های ماریج امنیت را در منطقه میان همسایگان بیش از گذشته نموده و در مرحله بعد منجر به افزایش جاسوسی اطلاعاتی از کشور شده و سپس گروه‌های مبارز متحد ج.ا.ایران را تضعیف می‌نماید.

نتایج نشان از آن دارد که عادی سازی روابط همسایگان جنوبی با رژیم صهیونیستی از جنبه‌های گوناگون بر بازنگری در مورد رویکردهای دفاعی، سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران اثر خواهد گذاشت که در این خصوص ضرورت ویژه دارد که تهران مواردی همچون ضعیف شدن متحدان منطقه‌ای، توسعه و نفوذ رژیم صهیونیستی و عدم تشکیل شدن یک نظام دفاعی و امنیتی با ثبات و از میان رفتن موازنه قوا را در منطقه مورد توجه قرار دهد.

واژگان کلیدی: امنیت، راهبرد دفاعی، رژیم صهیونیستی، جمهوری اسلامی ایران، پیمان ابراهیم

۱ - عضو هیئت علمی دانشگاه امام علی (ع)

۲ - عضو هیئت علمی دانشگاه امام علی (ع)

۳ - عضو هیات علمی دانشکده فارابی (نویسنده مسوول و عهده دار مکاتبات)

۴ - دانش آموخته دکتری روابط بین الملل

مقدمه

با پایان جنگ جهانی اول و شکست دولت عثمانی و پیروزی قدرت‌های اروپایی، نظام بین‌الملل وارد مرحله جدیدی از درگیری‌های سرزمینی و مذهبی شد؛ در آغاز با ورود انگلستان به بیت‌المقدس، جنگ‌های زیادی میان یهودیان و مسلمانان در این مناطق آغاز گردید و همه اینها در حالی بود که اعراب به دلیل متغیرهای زیادی در جنگ‌های سال‌های ۱۹۴۹، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ پیروزی کسب نمودند؛ این موضوع سبب شد که در ابتدا سیاست انزوایابی را در عرصه بین‌المللی در پی بگیرند؛ به تعبیر دیگر با اتمام نزاع‌ها میان کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی موضوع نخست به چگونگی برخورد با اثرات ویرانگر صهیونیسم و بقای رژیم آن و یا مورد تایید قرار دادن مشروط آن به یکی از دغدغه‌های کشورهای منطقه غرب آسیا تا به امروز تبدیل شده است. زمانی که روند عادی‌سازی و آشتی میان اعراب و رژیم صهیونیستی آغاز شد و در گام نخست، مصر و اردن روابط رسمی با رژیم صهیونیستی برقرار نمودند. هرچند که لازم به اشاره است که رابطه مصر با رژیم صهیونیستی را می‌توان نتیجه شرایط قهری ناشی از نظام بین‌الملل دانست که یکی از دلایل آن تسلط رژیم صهیونیستی بر صحرای سینا بود که بر این کشور فشار می‌آورد و در نهایت شرایط برقراری روابط به این کشور تحمیل گردید. در سال ۲۰۲۳ و پس از گذشت ۴۴ سال از صلح‌نامه رژیم صهیونیستی و مصر در ۱۹۷۹ و همچنین پس از گذشت ۲۹ سال از معاهده آشتی میان این رژیم و پادشاهی اردن در سال ۱۹۹۴، امارات متحده عربی به همراه بحرین و عربستان سعودی و عمان تلاش دارند روابط عادی و رسمی میان خود با رژیم صهیونیستی را برقرار نمایند؛ هرچند دو کشور امارات متحده و بحرین این اقدام را کامل عملیاتی نموده‌اند و لیکن دو کشور عربستان و عمان در حال حاضر در برخی زمینه‌ها و گام به گام روابط محدودی را آغاز نموده‌اند ولی هنوز منجر به معاهده صلح نشده است.

پیمان ابراهیم آرایش‌های سیاسی مبهم و غبارآلود حاکم بر منطقه را تا حدودی شفاف نمود، به گونه‌ای که عناصر تشکیل دهنده موازنه قدرت منطقه‌ای را در چهار بلوک محافظه کار و ضد اخوانی به سرکردگی عربستان و امارات، محور مقاومت به رهبری ایران، حامیان اخوان المسلمین با حمایت ترکیه و قطر و رژیم صهیونیستی تفکیک نمود از آنجا که بلوک دوم و سوم، حامیان اسلام سیاسی هستند و منافع مشترک زیادی باهم دارند ولی بلوک نخست متشکل از عربستان، امارات، مصر، اردن، در برابر دو بلوک دیگر که مخالف وضع موجودند و از گروه‌های اسلام گرا حمایت می‌کنند خود را در منطقه در

موضع دفاعی دیده و به همین علت به سمت بلوک چهارم متمایل گردیده و همکاری امنیتی و نظامی خود با رژیم صهیونیستی که حالتی سری و پنهانی داشت را به مرور آشکار نموده و این عادی‌سازی روابط میان آن‌ها عاملی برای تنش بیشتر خواهد بود و درحقیقت امر برقراری روابط رسمی دوجانبه میان رژیم صهیونیستی و همسایگان جنوبی ایران ریشه در همکاری‌های دفاعی و امنیتی آشکار و نیمه آشکار میان این بازیگران منطقه‌ای دارد. چنانچه که مشاهده شده قبل از روابط رسمی روند عادی سازی در مسائل دانشگاهی، علمی، سیاسی، امنیتی، اجتماعی، اقتصادی، ورزشی، بخش‌های صنعتی، هوایی و حتی به ویژه نظامی و... از سال ۲۰۱۹ به این سو به بالاترین سطح خود رسیده و علت پرداختن به این پژوهش نیز ناشی از این مهم است.

۱. کلیات

۱-۱. بیان مسئله

نفرت ایجاد شده عمومی ملت ایران پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، از پشتوانه حکومتی نیز برخوردار گردید و این انزجار تا آنجا گسترش یافت که به‌عنوان یکی از اصول سیاست خارجی و راهبرد ملی در دکترین انقلاب تعریف گردید که البته این موضوع به‌صورت یک جانبه دنبال نشد و طرف مقابل نیز در پاسخ به این راهبرد، مشی متقابل و مقابله با گسترش و تقویت انقلاب و حکومت اسلامی در ایران را سرلوحه عملکرد و برنامه‌های خود قرار داد و پیوسته می‌کوشید تا خود را یکی از تهدیدهای جدی علیه جمهوری اسلامی ایران نشان دهد زیرا این رژیم به این درک رسیده بود که حکومت تازه پیروز شده در ایران با تکیه بر نیروی همراهی ملی، به قدرت بیشتری دست یافته و نظامی است که توان بهره‌گیری از ظرفیت راهبردی خود جهت تحمیل قدرت برتری منطقه‌ای و اثرگذاری بر مناسبات و معادلات امنیتی و سیاسی منطقه غرب آسیا را داراست. به همین سبب به‌موازات شکل‌گیری جمهوری اسلامی، ناخودآگاه مناسبات سیاسی و امنیتی میان دو کشور از اساس تغییر کرد و حوادث پیش آمده طی بیش از چهار دهه گذشته روند این تخاصم را تسریع و تسهیل نموده است.

یکی از رویدادهای یادشده، فرایند صلح و سازش با کشورهای منطقه (اعراب) است که هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی ایران آغاز و پس از الحاق رسمی مصر و اردن در دهه‌های گذشته، با رسمیت بخشیدن به روابط پنهان این رژیم با چند حکومت عربی دیگر، تحت عنوان پیمان ابراهیم وارد مرحله جدیدی گردیده است.

روند ایجاد شده مرتبط با پیمان ابراهیم در عمل یک فضای سیاسی امنیتی جدید در منطقه خلیج فارس و به تبع آن در غرب آسیا ایجاد کرد که می‌تواند محیط امنیتی ایران را متأثر سازد و با وجود اثبات عملی این موضوع که ایران در دفاع از امنیت ملی خود با هیچ کشوری تعارف ندارد، موضوع موصوف به صورت خواسته یا ناخواسته، تبعات ضد امنیتی خود را بر امنیت ملی ایران اعمال می‌کند و آنچه در این بین می‌تواند در تقلیل آثار و نتایج این روند تأثیرگذار باشد، رصد دقیق اوضاع منطقه و عملکرد مطلوب در مقابل تحرکات احتمالی موجود (بدون تکیه بر سیاست تدافعی محض و انفعالی) است و بر همین اساس در این پژوهش با طرح این سؤال اساسی که، پیمان ابراهیم چه پیامدهای امنیتی بر راهبردهای دفاعی ج.ا. ایران دارد؟ این فرضیه را به ذهن متبادر می‌کند که پیمان یادشده موجب شکل‌گیری ائتلاف ضد ایرانی (با هدایت ایده صهیونیستی و حمایت مالی اعراب) و تضعیف نقش کلیدی ایران و محور مقاومت در منطقه خواهد شد.

بنابراین با توجه به انجام پژوهش در این حوزه موضوعی، تلاش شده با توجه به داده‌های کسب شده از روش گردآوری اطلاعات در چارچوب فیش‌برداری با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل ثانویه اسناد و داده‌های دریافت شده از پایگاه‌های اطلاعاتی از کتابخانه، وبگاه‌های اینترنتی فرضیه مطرح شده که ارتباط رژیم صهیونیستی با همسایگان جنوبی منجر به این خواهد شد که در نهایت رژیم صهیونیستی بیش از گذشته به مرزهای جمهوری اسلامی ایران نزدیک شده و به صورت غیر مستقیم به مرزهای دریایی جنوب ایران دسترسی هموارتری خواهد داشت؛ مورد بررسی و تبیین قرار دهد. همچنین به جهت روشن شدن و کنکاش بیشتر، پژوهش تلاش دارد در کنار پرسش اصلی یعنی پیامدهای امنیتی، عادی سازی روابط همسایگان جنوبی با رژیم صهیونیستی موسوم به پیمان ابراهیم بر راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی ایران چیست؟ این پرسش‌های فرعی را که نخست اهداف اصلی اعراب از پیمان مورد اشاره چیست؟ دوم اهداف و انگیزه‌های حکومت صهیونیستی از برقراری ارتباط با اعراب چه بوده است؟ و سوم پیمان ابراهیم چه تأثیری بر مواضع دفاعی جمهوری اسلامی دارد؟ مورد بررسی و مذاقه قرار دهد.

۱-۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

با توجه به تبیین غاصب و جعلی بودن رژیم صهیونیستی به عنوان یکی از اصول غیر قابل تغییر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نابودی آن را در دستور کار و چشم انداز بلند مدت خود تعریف نموده و بر این اساس هرگونه اقدام در راستای تقویت این رژیم، به صورت غیرمستقیم با منافع ملی جمهوری اسلامی ایران گره خورده و اهمیت

این موضوع با پرچم‌دار بودن ایران به‌عنوان رکن اساسی محور مقاومت در منطقه، از اهمیتی دوچندان برخوردار شده و هرگونه سازش، مدارا و تعامل دولت‌های منطقه با این رژیم در واقع به نوعی تضعیف منافع ملی جمهوری اسلامی ایران قلمداد می‌گردد و اهمیت و ضرورت پرداختن به این پژوهش نیز از همین موضوع و با هدف تحلیل روند ضد اسلامی و ضد بشری سازش (با توجه به سابقه عملکرد رژیم موصوف در دهه‌های پس از شکل‌گیری) و اتخاذ راه‌کارهای مقابله‌ای به منظور جلوگیری از غافلگیری احتمالی انجام شده است.

۱-۳. پیشینه تحقیق

برخی از ارزشمندترین پژوهش‌های منتشر شده پیرامون موضوع مورد بحث، در جدول زیر درج شده است.

جدول ۱. خلاصه پیشینه پژوهش

ردیف	نام محقق/سال	عنوان	خلاصه ادبیات
۱	حیفا الماشی ^۱ (۲۰۲۱)	"تحلیل پیامدهای معامله صلح رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی کلامند"	وی در پژوهش خود به این نکته می‌پردازد که رژیم صهیونیستی تلاش کرده که آشکارا مواضع ژئوپلیتیک را از مرزهای سرزمین‌های اشغالی دور نماید؛ محقق در ادامه اشاره دارد که با نفوذ هر چه بیشتر به خلیج فارس از سه فرصت استثنایی دست‌یابی به آبهای آزاد جهانی، ثروت بی‌شمار اعراب اعم از نفت و گاز و در نهایت پایگاه‌های نظامی آنان علیه ایران استفاده خواهند کرد. محقق در نهایت نتیجه می‌گیرد که در واقع خطر مشترک برای ایران و شیعیان بستر ساز اصلی ائتلاف عبری-عربی است.
۲	استوسیمون ^۲ (۲۰۲۱)	"خلیج فارس و رژیم صهیونیستی: مبارزات قدیمی، اتحادهای جدید"	پژوهشگر در پژوهش خود اشاره دارد که یکی از اصلی‌ترین و مهمترین راهبردهای ترامپ برای منزوی کردن ایران، طرح ائتلاف میان رژیم صهیونیستی و کشتورهای عرب حاشیه خلیج فارس

^۱ Haifa AlMaashi

^۲ Steven Simon

			است؛ از این رو این طرح، با عنوان برنامه موسوم به «فشار حداکثری» برای نابودی اقتصاد ایران طراحی شده است.
۳	محمدرضا کمالی و دیگران (۱۴۰۰)	"تأثیر روابط سیاسی رژیم صهیونیستی و کشورهای حوزه خلیج فارس و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران"	پژوهشگران در این تحقیق نتیجه می‌گیرند که اهداف رژیم صهیونیستی و کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس از عادی‌سازی روابط را می‌توان مضمون اصلی ایجاد کمربند امنیتی در مقابل ایران، اهداف نظامی و تسهیل در فرایند سازش «صورتبندی کرد. در مقابل راهبردهای ج.ا. ایران در مقابل تهدیدات امنیتی را سه محور موازنه میان آرمانگرایی و واقع‌گرایی، گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و افزایش توان نظامی و قدرت ملی باید قرار داد.
۴	محمدرضا ملکی و فرزاد محمدزاده ابراهیمی (۱۳۹۹)	"چشم‌انداز صلح غرب آسیا در سایه عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و جهان عرب"	پژوهشگران در این تحقیق نتیجه گرفته‌اند که رژیم صهیونیستی با برخی کشورهای عربی و نیز ارتقای سطح منافع ملی، دیدگاه مشترک داشته و بودن این امر را به عنوان یک نکته مهم مورد توجه قرار داده‌اند که منجر به بهبود روابط رژیم صهیونیستی با اعراب شده است و افزون بر بررسی رویکردهای امنیتی مختلف کشورهای درگیر، به تحلیل نقش مهم آمریکا در این خصوص نیز پرداخته‌اند.

۴-۱. سؤال‌های تحقیق

۴-۱-۱. سؤال اصلی:

پیمان ابراهیم چه پیامدهای امنیتی، بر راهبردهای دفاعی ج.ا. ایران خواهد داشت؟

۴-۱-۲. سؤال‌های فرعی

۴-۱-۲-۱. اهداف اصلی اعراب از توافق با دولت صهیونیستی چیست؟

۴-۱-۲-۲. اهداف و انگیزه‌های حکومت صهیونیستی از برقراری ارتباط با اعراب چه

بوده است؟

۴-۱-۵. روش‌شناسی پژوهش

تحقیق پیش رو، از نظر هدف از نوع تحقیق کاربردی و از نظیر ماهیت و روش تحقیق، تو صیفی - تحلیلی هست که از رویکرد تو صیف داده‌ها و تحلیل ثانویه آن برای گردآوری داده‌های موجود استفاده شده است؛ بنابراین از آنجا که دسته تحقیقات کیفی بوده و گردآوری اطلاعات به صورت فیش‌برداری از اسناد مرتبط به پیشینه تحقیق و ادبیات موضوع از کتاب‌ها و مقالات تخصصی، پایان‌نامه‌ها و جستجو در کتابخانه‌ها، مراکز اسناد و پایگاه‌های اینترنتی بوده است؛ از این رو تحقیق تلاش داشته با گردآوری داده‌های لازم به بررسی، تجزیه و تحلیل روابط داده‌های مزبور پردازد تا با ارائه پیشنهادها، ماهیت راهبردی آن نیز ملموس باشد.

۲. ادبیات و مبانی نظری تحقیق

۲-۱ مفهوم پیمان ابراهیم

توافق نامه صلح ابراهیم یا پیمان ابراهیم^۱، توافقی است که به منظور عادی سازی روابط و صلح بین امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی منعقد شد. این توافق در ۱۳ اوت ۲۰۲۰ و طی بیانیه مشترک ایالات متحده، رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی اعلام شد و در ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰ در کاخ سفید امضا شد. با امضای این توافق، امارات متحده به سومین کشور عربی بعد از مصر در ۱۹۷۹ و اردن در ۱۹۹۴ شد که رسماً روابط خود را با رژیم صهیونیستی عادی سازی می‌کرد؛ این توافقنامه روابط خارجی غیررسمی اما مستحکم بین دو کشور را عادی و علنی نمود. مهمترین موارد این توافق نامه عبارت است از دگرگونی غرب آسیا با برقراری صلح و عادی سازی کامل روابط بین طرفین از طریق تحریک رشد اقتصادی و تقویت نوآوری‌های تکنولوژیکی و ایجاد روابط نزدیک بین ملت‌ها (مقومی و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۹۲).

از منظر علت شناسی، پیمان ابراهیم نتیجه تقابل ایران با رژیم غاصب صهیونیستی بوده که همین تقابل سبب نزدیکی و هم سوئی کشورهای حاشیه خلیج فارس به رژیم یاد شده گردیده است. از منظر تأثیرات امنیتی، پیمان ابراهیم بیشترین تأثیر را بر امنیت منطقه غرب آسیا خواهد داشت (آقاجانی و دیگران، ۱۴۰۱: ۶۴).

۲-۲. پیمان ابراهیم؛ عامل صلح یا مانع توازن منطقه‌ای

^۱Abraham Accords

یکی از اصول بنیادین دیپلماتیک اعراب در بحران با رژیم صهیونیستی تبادل «زمین در ازای صلح» است، که بر پایه آن رژیم صهیونیستی از سرزمین‌های متعلق به اعراب که بدنبال جنگ ژوئن ۱۹۶۷ اشغال کرده است عقب نشینی می‌نماید، تا در ازای آن با همسایگانش در صلح و آرامش زندگی کند. بر همین اساس بود که مصر در سال ۱۹۷۹ و اردن در سال ۱۹۹۴ پیمان صلح با رژیم صهیونیستی را منعقد نمودند. اما توافق امارات متحده عربی-رژیم صهیونیستی با کنار گذاشتن اصل تبادل «زمین به ازای صلح» به نفع «صلح برای صلح» به چشم انداز صلح جامع زیان می‌رساند. حمایت از حقوق فلسطینی‌ها قبل از این یکی از موارد نادر اتفاق نظر بین رژیم‌های خودکامه عرب و ملت‌هایشان بشمار می‌رفت. این اجماع در ابتکار صلح عرب که در اتحادیه عرب در سال ۲۰۰۲ به تصویب رسید تجسم یافته است (افجانی، ۲۰۱۴: ۳۸). بر اساس این طرح، رژیم صهیونیستی در ازای پذیرفتن یک دولت مستقل فلسطین در نوار غزه و کرانه باختری، که پایتخت آن در شرق اورشلیم قرار خواهد داشت؛ به صلح و عادی سازی روابط با ۲۲ عضو اتحادیه عرب دست می‌یافت. به عبارت دیگر عقب نشینی از سرزمین‌های اشغال شده فلسطینی شرط عادی سازی روابط با سایر کشورهای عرب محسوب می‌شد اما رژیم صهیونیستی آنرا در جهت منافع خود نادیده انگاشته و حفظ سرزمین‌های اشغالی را آنجایی که به فلسطینی‌ها مربوط می‌شود به صلح ترجیح داد. در عمل توافقی که صورت گرفته است این پیام را منتقل می‌کند که بر اساس آن رژیم صهیونیستی قادر است روابطش را با دولت‌های خلیج فارس یعنی دقیقاً همسایگان جنوبی ج.ا. ایران عادی کند بدون آن که مجبور باشد به اشغال سرزمین‌های فلسطینی خاتمه دهد و این دقیقاً نقطه آغازین ماریج امنیتی در منطقه خلیج فارس است (Times of Israel, 2022: 4-5)؛ فرآیندی که در نهایت نه تنها به صلح ختم نمی‌شود بلکه بر پیچیدگی‌های دفاعی و امنیتی در این منطقه می‌افزاید.

امارات متحده عربی به عنوان اولین تایید کننده و امضا کننده پیمان ابراهیم در ایالات متحده با رژیم صهیونیستی، هدف از آن را جلوگیری از الحاق کرانه باختری به رژیم صهیونیستی که در معامله قرن مطرح شده بود عنوان نموده است؛ همچنین بر طبق توافق نامه روند عادی سازی با کشورهای عمان، کویت، عربستان سعودی نیز آغاز گردیده تا آنان نیز به این توافق بپیوندند (Ben-Ami, 2020: 17).

جمهوری اسلامی ایران همواره حمایت خود را از بنیان گذاری یک رژیم امنیتی پایدار در چارچوب خاص و با هماهنگی با منافع دولت‌های منطقه اعلام کرده است. برای رسیدن به این هدف، ایران با ارائه طرح‌های مختلف، سعی در جلب اعتماد کشورهای منطقه داشته است. جدیدترین مورد آن، طرح صلح هرمز است که شامل امنیت پایدار و همکاری برای تمام همسایگان جنوبی (حاشیه خلیج فارس) و کاهش تعارضات مذهبی و فرقه‌ای است (دهقانی فیروز آبادی و دیگران، ۱۴۰۰:۱۱۲). حضور مستقیم رژیم اشغالگر فلسطین در ترتیبات امنیتی منطقه، باعث شده است که با این کشورها عمیق‌تر شود و رؤیای دیرینه ایران برای ایجاد یک رژیم امنیتی پایدار جهت مقابله با دشمنان خارجی و منطقه‌ای جهان اسلام با اخلاص مواجه شود (Friedman, 2021: 231). تلاش‌های این رژیم با همراهی آمریکا در این راستا، ریشه در یک منطق نظری پراهمیت در سیاست بین‌الملل دارد و آن جلوگیری از ظهور هژمون‌های منطقه‌ای است.

۲-۳. پیمان ابراهیم و همبستگی امنیتی - دفاعی علیه ج.ا.ایران

کاهش دفاع از مبارزات مردم فلسطین در چند دوره زمانی صورت گرفت؛ اولین دوره با مذاکرات اسلو آغاز شد که فلسطینی‌ها را مجبور نمود تا از بعضی از حقوق خود در مقابل وعده ناروشن داشتن یک دولت در آینده که در چارچوب روند صلحی تحت نظارت جامعه بین‌المللی بوجود آید، چشم‌پوششند. دوره دوم با حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ آغاز شد. با از بین رفتن قدرت عراق راه برای جمهوری اسلامی ایران هموارتر گردید و همسایگان جنوبی در این منطقه دیگر ایران را تهدید محسوب می‌نمودند و برای آنها بدل به یک عامل جدید نگرانی در جغرافیای سیاسی منطقه شد (Grathwohl, 2023: 97). طی سالهای پس از آن، جمهوری اسلامی ایران به صورتی چشمگیر قدرت راهبری دفاعی و امنیتی خود را در غرب آسیا توسعه داد و در نبرد القصیر در سوریه در سال ۲۰۱۳ به اوج خود رسید. نبردی که، آغازگر دوران جدیدی بود که در آن نیروهای نظامی ج.ا.ایران می‌توانستند علناً در کشورهای عربی وارد عملیات شوند و از رژیم‌های متحد خود حمایت کنند (Friedman, 2021: 68). نه تنها سوریه و عراق بلکه لبنان و یمن نیز صحنه درگیری‌هایی شدند که دارای ابعاد هویتی، آیینی، فرقه‌ای و در عین حال عمل‌گرائی سیاسی بودند.

کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به ویژه بحرین و امارات متحده عربی که از سال ۲۰۰۰ میلادی تلاش نموده اند خود را محور «میان‌ه‌روی» در نظام بین‌الملل معرفی نمایند، بازیگران غیردولتی مانند حزب الله لبنان، حماس، جنبش حوثی‌های یمن و شبه‌نظامیان کمیته مردمی عراق را نیروهای کمکی دفاعی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران^۱ ارزیابی می‌کنند. در این چارچوب محدود کردن قدرت جمهوری اسلامی ایران نسبت به دفاع از فلسطینی‌ها الویت پیدا می‌نماید؛ اما سومین دلیلی که مسئله فلسطین و مساله عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی را به حاشیه جغرافیای سیاسی منطقه راند، بهار عربی بود. آزادی دموکراتیک و سرنگونی اقتدارگرائی با بهار عربی تبدیل به مسئله اصلی در بسیاری کشورها شد. این قیام‌ها نشان دادند تا چه اندازه ایدئولوژی‌های بزرگ گذشته، پان‌عربیسیم قدرت تهییج احساسات افکار عمومی جهان عرب را از دست داده‌اند.

بر همین مبنا رژیم‌های عربی به متغیر تازه تری احتیاج داشتن در واقع برخی کشورهای عربی، به مانند رژیم صهیونیستی، اهداف راهبردی را برای خود در نظر گرفته‌اند تا روابط خود را با رژیم صهیونیستی عادی سازی نمایند. با این حال، باید توجه داشت که همان دوره و اهداف را نمی‌توان برای همه کشورهای عربی در نظر گرفت، در حالی که روابط رژیم صهیونیستی با کشورهای خلیج فارس بسیار حساس است. از آنجایی که روابط ایران و اعراب در دهه‌های اخیر، تحت تأثیر تحولات مهمی قرار گرفته است (Robinson, 2022: ۲-۴). این تحولات، به تشدید تنش‌ها میان این دو گروه منجر شده است؛ بنابراین ریشه برخی از اهداف و انگیزه‌های کشورهای عربی از جمله همبستگی امنیتی و دفاعی بر علیه جمهوری اسلامی ایران عبارتند از:

- مقابله با تشکیل هلال شیعی توسط ایران.
 - افزایش نگرانی اعراب به ویژه همسایگان جنوبی از نفوذ ایران پس از بهار عربی.
 - توافق هسته‌ای میان ایران و غرب و تقویت موقعیت ایران در منطقه.
- در نتیجه این تحولات، کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس به ائتلاف با رژیم صهیونیستی روی آوردند. رژیم صهیونیستی نیز از این فرصت بیشترین بهره را برای تقویت موقعیت خود در منطقه استفاده نموده است. در حقیقت تنش‌های میان ایران و کشورهای عرب

۱- رژیم اشغالگر قدس با این ابتکار در میان کشورهای عرب خلیج فارس تلاش دارد که به آنان القاء نماید که این راهکار به عنوان کمکی برای ایجاد ثبات و امنیت در منطقه بوده و در نهایت به تضعیف جایگاه ج.ا. ایران در منطقه ختم می‌شود.

حاشیه خلیج فارس، تأثیرات منفی بر امنیت و ثبات منطقه داشته است و یک بازی مارپیچ امنیت با حاصل جمع صفر را ایجاد نموده است؛ به تعبیر دیگر این تنش‌ها، می‌تواند منجر به وقوع درگیری‌های نظامی ویژه به شکل نیابتی و غیر مستقیم در منطقه شود. همچنین، می‌تواند زمینه‌ساز گسترش تروریسم و ناامنی در منطقه شود.

جدول ۲. پیامدهای امنیتی، پیمان ابراهیم بر راهبردهای دفاعی ج.ا.ایران

ردیف	مولفه ضد دفاعی و امنیتی
۱	عادی‌سازی روابط، زمینه‌ساز اتحاد راهبردی و راهبردی همسایگان جنوبی علیه ج.ا.ایران
۲	عادی‌سازی روابط همسایگان جنوبی و رژیم صهیونیستی، مولفه تقویت کننده اقدام نظامی علیه ایران
۳	عادی‌سازی روابط همسایگان جنوبی و رژیم صهیونیستی، تقویت کننده ناآرامی‌های داخلی ایران
۴	شکل‌گیری دومینوی روابط رسمی همسایگان جنوبی ایران با رژیم صهیونیستی
۵	شکسته شدن قبح برقراری روابط رسمی با رژیم صهیونیستی
۶	تقویت توانایی‌های نظامی و تسلیحاتی همسایگان جنوبی ایران در حوزه خلیج فارس

۲-۴. اهداف راهبردی رژیم صهیونیستی از تحقق پیمان ابراهیم

رژیم صهیونیستی در سال‌های اخیر، تلاش‌های گسترده‌ای برای عادی‌سازی روابط خود با کشورهای عربی انجام داده است. این رژیم با انجام این اقدامات، اهداف مختلفی را دنبال می‌کند که می‌توان آنها را به چهار دسته اصلی تقسیم کرد:

۱- **افزایش عمق استراتژیک رژیم صهیونیستی:** رژیم صهیونیستی با عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی، می‌تواند حضور خود را در مناطق مهمی مانند خلیج فارس و دریای سرخ گسترش دهد و از این طریق، امنیت خود را در برابر تهدیدات منطقه‌ای، به ویژه در مقابل جمهوری اسلامی ایران، افزایش دهد.

۲- **نزدیکی به تهران برای مهار جمهوری اسلامی ایران:** عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی، به این رژیم کمک می‌کند تا از حمایت این کشورها برای مهار و کنترل جمهوری اسلامی ایران استفاده کند (Edmondson, 2020: 121).

۳- **تسخیر بازارهای اقتصادی کشورهای عربی:** رژیم صهیونیستی با عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی، می‌تواند از بازارهای اقتصادی این کشورها بهره‌برداری کند و به این ترتیب، اقتصاد خود را تقویت کند.

۴-فائق شدن بر مشکلات داخلی: رژیم صهیونیستی با عادی سازی روابط، می تواند از حمایت این کشورها برای بهبود و وضعیت داخلی و کاهش نارضاایتی های خود و در نتیجه تقلیل هزینه های نظامی اش استفاده نماید.

این اهداف با مخالفت های زیادی از سوی کشورهای عربی و مسلمان مواجه شده است. کشورهای عربی و مسلمان معتقدند که عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی، بدون حل مسئله فلسطین، اقدامی غیرعادلانه و غیراخلاقی است. آنها همچنین معتقدند که این اقدام، به مشروعیت رژیم صهیونیستی کمک می کند و باعث تقویت این رژیم می شود. به تعبیر دیگر موضوعی که دولت (نتانیاهاو) رژیم صهیونیستی از آن به عنوان رویکرد «درون - بیرون» نام می برد گسترش روابط سیاسی، اقتصادی و راهبردی آشکار با همسایگان جنوبی ایران در خلیج فارس با هدف منزوی کردن و تضعیف فلسطینی ها و مجبور کردن آنها به پذیرش حل اختلافات با شرایط رژیم صهیونیستی بشمار می رود (NoaLandau,2023:67).

جدول ۳. پیامدهای امنیتی، پیمان ابراهیم بر راهبردهای دفاعی ج.ا. ایران

ردیف	مولفه ضد دفاعی و امنیتی اهداف رژیم صهیونیستی
۱	نزدیکی (هم مرز شدن) رژیم صهیونیستی به مرزهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران
۲	انجام اقدامات ایدایی علیه مبادلات اقتصادی و تجاری ایران و کشورهای منطقه
۳	تغییر در نظم ژئوپلیتیک (شکننده) موجود در منطقه و شکل گیری ماریچ امنیت
۴	افزایش اقدامات ضد اطلاعاتی علیه جمهوری اسلامی ایران

بنابراین موفقیت رژیم صهیونیستی در این هدف بیشتر به فعل و انفعالات منطقه ای و بین المللی وابسته بوده تا توان وی در ترغیب و متقاعد کردن دیگران باشد؛ چرا که از نگاه عملیاتی همسایگان جنوبی ایران در خلیج فارس بیش از پیش خود را در معرض تهدید از سوی جمهوری اسلامی ایران و حامیانش در بحرین، یمن، عراق، سوریه و لبنان متصور هستند؛ آنها برای مقابله با این تهدید به متحدین قدرتمند نیاز دارند. یکی از این متحدین ایالات متحده است و اکنون تلاش دارند که رژیم صهیونیستی را نیز در کنار خود داشته باشند (Helfont,2023:23)؛ که مبارزه ای تمام عیار بر علیه ایران و اهداف بلند پروازانه هسته ای آن کشور و همچنین جنبش حزب الله مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران در لبنان را به پیش ببرند. وضعیت ژئوپلیتیک در منطقه ویژه بعد از عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳

جنبش حماس (طوفان الاقصی) نوعی پیچیدگی دفاعی و امنیتی را ایجاد نموده است و این به معنی آن هست که هدف‌های راهبردی رژیم صهیونیستی از فرآیند عادی سازی روابط با همسایگان جنوبی ایران مسیری همواری را پیش روی نخواهد داشت.

۳. یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل آن‌ها

۳-۱. جامعه آماری

با توجه به اینکه رویکرد کلان این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، غیر آماری بوده و به صورت توصیف و استدلال در چارچوب شاخصه‌های دفاعی است، بنابراین استفاده از دیدگاه صاحب‌نظران برای قوی‌تر و مستدل نموده یافته‌های پژوهش صورت گرفته است. از این رو، برای تعیین جامعه آماری و حجم نمونه، سعی شد تا جامعه آماری از بین صاحب‌نظران آشنا با موضوع این پژوهش انتخاب شود. در این راستا، پس از بررسی سوابق علمی، پژوهشی و کاری متخصصین این حوزه با روش تعیین نمونه‌گیری زنجیری، تعداد ۱۴۰ نفر که در زمینه این پژوهش دارای شناخت و تخصص بودند، به عنوان جامعه آماری مورد شناسایی قرار گرفت.

۳-۲. حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری

به منظور (ارتقای روایی پژوهش) پژوهشگران تلاش نموده‌اند که جامعه آماری خود را از میان فرهیختگان و البته افراد آشنا به دو حوزه امنیت بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای استفاده نمایند. یعنی اگر از قشر دانشگاهی گروهی برای این مهم انتخاب شده‌اند، تلاش شده ضمن رعایت بایسته‌های انجام اقدامات پژوهشی (در بعد میدانی) این قشر از میان خبرگان مسلط و یا حداقل آشنا به حوزه‌های امنیتی، انتخاب گردند تا در نهایت پس از مصاحبه اکتشافی با چند نفر از صاحب‌نظران، تعداد ۱۰ تهدید احتمالی پیامدهای امنیتی، پیمان ابراهیم بر راهبردهای دفاعی ج.ا. ایران شناسایی گردید. تهدیدهایی که برای ارزیابی آن‌ها از روش پرسشنامه با طیف لیکرت پنج مقیاسی (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم) استفاده و برای ارزیابی میانگین نمونه آماری و تأیید شاخص‌های انتخاب شده توسط جامعه نمونه از روش محاسبه خطای استاندارد میانگین (SEM) استفاده گردید.

۱- طوفانُ الاقصی: عملیات نظامی نیروهای حماس علیه رژیم صهیونیستی و در واکنش به جنایات رژیم صهیونیستی در کشتار فلسطینیان و هتک حرمت مسجد الاقصی. این عملیات در منطقه مرزی میان غزه و سرزمین‌های اشغالی فلسطین و در ۱۵ مهر سال ۱۴۰۲ ش ۷ اکتبر ۲۰۲۳م آغاز شد.

در این پژوهش، جامعه آماری از سه دسته نخبگان مطلع از موضوع یادشده، شامل صاحب نظران حوزه‌های امنیتی، صاحب نظران حوزه روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای و صاحب نظران حوزه نظامی و دفاعی می‌باشند.

جدول ۴: ترکیب نمونه آماری پژوهش

ردیف	نوع کارشناس	تعداد (نفر)	درصد
۱	صاحب نظران حوزه‌های امنیتی	۴۰	۵۰٪
۲	صاحب نظران حوزه روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای	۲۸	۳۵٪
۳	صاحب نظران حوزه نظامی و دفاعی	۱۲	۱۵٪
	مجموع	۸۰	۱۰۰٪

با توجه به اهمیت موضوع پژوهش و همچنین مشخص نبودن و سخت بودن دسترسی به صاحب نظران حوزه تخصصی این پژوهش، از روش نمونه‌گیری گلوله برفی یا همان نمونه‌گیری زنجیره‌ای، نمونه‌گیری به روش سهمیه‌ای و به شکل نسبتی و بر اساس فرمول کوکران از تعداد ۱۴۰ نفر انجام که در نهایت تعداد ۸۰ پرسشنامه به شرح زیر گردآوری و مطابق جدول شماره ۴ محاسبه و سعی گردید تا از همه زیرگروه‌ها تعداد مشخصی در نمونه لحاظ گردند.

جدول ۵: ویژگی‌های نمونه آماری

رشته تحصیلی						سطح تحصیلات		
مجموع	مدیریت راهبردی	مطالعات منطقه‌ای	جغرافیای سیاسی	علوم سیاسی	روابط بین‌الملل	مجموع	دانشجوی دکتری	دکتری
۸۰	۲۰	۹	۲۱	۱۲	۱۸	۸۰	۲۴	۵۶

۳-۴. ابزار گردآوری داده‌ها

در پژوهش پیش رو از روش توصیفی پیمایشی برای گردآوری داده‌های موجود استفاده شده است. به منظور احصاء مطلوب تهدیدها از دانش، خرد جمعی، عقاید و نظرات جمعی

از صاحب‌نظران در سطوح مختلف، و همچنین سوابق تحقیقات موجود پیرامون پژوهش مورد بحث استفاده گردید.

۳-۵. اعتبار سنجی (روایی و پایایی)

در بحث روایی، با توجه به محقق ساخته بودن پرسشنامه، این پرسشنامه به تعداد ۱۰ نفر از صاحب‌نظران در حوزه‌های مرتبط ارائه گردیده و دیدگاه‌های اصلاحی آنها اعمال گردیده است. پایایی (اعتبار) پرسشنامه نیز از طریق آلفای کرونباخ محاسبه شد. نتایج نشان‌دهنده ضریب آلفای کرونباخ (میانگین) ۰/۸۲ درصد است که نشان‌دهنده انسجام و ثبات درونی قابل قبول پرسشنامه می‌باشد.

برای بررسی روایی محتوایی پرسش‌نامه، در مرحله پیش‌آزمون از روش محاسبه ضریب لاوشه یا شاخص نسبت روایی محتوایی (CVR) طبق فرمول زیر استفاده گردید (حاجی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰) و مقدار ۰/۴۵ به دست آمد که بر اساس جدول استاندارد حداقل مقدار CVR قابل قبول بر اساس تعداد متخصصین نمره گذار (که برای جامعه ۸۰ نفره ۰/۲۹ بیان شده است) مقدار مذکور قابل قبول است. در این رابطه nE تعداد متخصصانی است که سؤال‌های پرسشنامه را ضروری و مناسب دانستند و N تعداد کل متخصصان است.

$$CVR = \frac{nE - N/2}{N/2}$$

برای بررسی پایایی پرسشنامه نیز در مرحله پیش‌آزمون از روش محاسبه ضریب آلفای کرونباخ طبق فرمول ذیل استفاده گردید؛

$$\alpha = \frac{k}{k-1} \left(1 - \frac{\sum_{i=1}^k S_i^2}{\sigma^2} \right)$$

طبق جدول ۶، مقدار ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده در نرم‌افزار IBM SPSS Statistics 22 در مرحله پیش‌آزمون برای کل پرسشنامه ۰/۹۸،۳ است که بیانگر این است که پرسشنامه از پایایی لازم برخوردار است در ضمن متغیرهای که مقدار آلفای آنها پایین بوده است، برای مرحله نهایی اصلاح شده‌اند.

شاخص‌های آماری مربوط به تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از پرسشنامه‌ها در جدول ۶ آمده است. در این مرحله از شاخص میانگین به‌عنوان شاخص مرکزی و وزن نهایی هر یک از متغیرها استفاده گردید و واریانس و انحراف معیار به‌عنوان شاخص‌های پراکندگی

پرسشنامه منظور گردیده است و میانگین خطای استاندارد به منظور بررسی اعتبار شاخص‌ها به کار برده شده است.

جدول ۶: ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای پرسشنامه

	N	%
Valid	۸۰	۱۰۰.۰
Excluded	۰	.۰
Total	۸۰	۱۰۰.۰

Reliability Statistics

Cronbach's Alpha	N of Items
۰.۸۹.۳	۸۰

۳-۶. ابزار و تکنیک تجزیه و تحلیل

برای ارزیابی مستدل فرضیه‌های پژوهش با نظر متخصه صین این حوزه، در چارچوب نظریه یاد شده، از پرسشنامه استفاده شده است. در همین راستا، برای تجزیه و تحلیل داده‌های میدانی، از نرم‌افزار SPSS استفاده گردیده که در آن از آزمون فریدمن برای تعیین میزان اثرگذاری هر یک از گویه‌های بهره به عمل آمده است.

جدول شماره ۷: پیامدهای امنیتی، پیمان ابراهیم بر راهبردهای دفاعی ج.ا. ایران

ردیف	پیامدهای امنیتی، پیمان ابراهیم بر راهبردهای دفاعی ج.ا. ایران	کد تهدید
۱	تقویت توانایی‌های نظامی و تسلیحاتی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس	A-1
۲	نزدیکی (هم‌مرز شدن) رژیم صهیونیستی به مرزهای امنیتی ج.ا. ایران	A-2
۳	شکسته شدن قبح برقراری روابط رسمی با رژیم صهیونیستی	A-3
۴	شکل‌گیری دومینوی روابط رسمی با رژیم صهیونیستی	A-4
۵	تغییر در نظم ژئوپلیتیک (شکننده) موجود در منطقه	A-5
۶	افزایش اقدامات ضد اطلاعاتی علیه جمهوری اسلامی ایران	A-6
۷	انجام اقدامات ایذایی علیه مبادلات اقتصادی و تجاری ایران و کشورهای منطقه	A-7
۸	پیمان ابراهیم، زمینه ساز اتحاد راهبردی کشورهای عربی علیه ج.ا. ایران	A-8
۹	پیمان ابراهیم، تقویت کننده احتمال اقدام نظامی علیه ایران	A-9
۱۰	پیمان ابراهیم، تقویت کننده ناآرامی‌های داخلی ایران	A-10

جدول شماره ۸: رتبه‌بندی شاخص‌های آماری پیامدهای امنیتی، پیمان ابراهیم بر راهبردهای دفاعی ج.ا. ایران

ردیف	شاخص تهدید	تعداد	میانگین وزنی	واریانس	انحراف معیار	میانگین خطای استاندارد
۱	A-3	۸۰	۴/۱۵۰	۳۸/۰۰	۶,۱۹۷	۰/۱۵۵
۲	A-4	۸۰	۳/۸۵۰	۲۸/۸۰۰	۵/۳۶۷	۰/۱۳۴
۳	A-1	۸۰	۳/۷۰۰	۱۸/۸۰۰	۴/۳۳۶	۰/۱۰۸
۴	A-6	۸۰	۳/۵۳۵	۱۴/۴۰۰	۳/۷۹۵	۰/۰۹۵
۵	A-2	۸۰	۳/۵۰۰	۸/۰۰۰	۲/۸۲۸	۰/۰۷۱
۶	A-8	۸۰	۳/۴۰۰	۶/۰۰۰	۲/۴۴۹	۰/۰۶۱
۷	A-5	۸۰	۳/۳۰۰	۴/۰۰۰	۲/۰۰۰	۰/۰۵۰
۸	A-9	۸۰	۳/۲۰۰	۳/۶۰۰	۱/۸۹۷	۰/۰۴۷
۹	A-7	۸۰	۲/۷۰۰	۰/۸۰۰	۰/۸۹۴	۰/۰۲۲
۱۰	A-10	۸۰	۲/۵۵۰	۲/۸۰۰	۱/۶۷۳	۰/۰۴۲

۳-۷. یافته‌های میدانی تحقیق و تحلیل آنها:

همان‌طور که در جدول شماره ۸ نیز نشان داده شده است تهدید مرتبط با شکسته شدن قبح برقراری روابط رسمی با رژیم صهیونیستی و پیوستن زنجیره‌وار روابط دیگر کشورهای عربی (که تا چند دهه قبل در جبهه مقابل رژیم صهیونیستی حضور داشتند) به جریان عادی‌سازی، با میانگین وزنی ۴/۱۵۰ از منظر پاسخ دهندگان به‌عنوان تهدید اصلی روند عادی‌سازی بر علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران قلمداد گردیده و شکل‌گیری دومینوی روابط رسمی با رژیم صهیونیستی که به نوعی گام دوم تهدید قبلی تلقی می‌گردد و تقویت توانایی‌های نظامی و تسلیحاتی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس

(به‌عنوان تهدیدات حوزه سرزمینی جمهوری اسلامی ایران) در رده دوم و سوم این روند تهدید پژوهی علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران قرار دارند. افزایش اقدامات ضد اطلاعاتی علیه جمهوری اسلامی ایران به دلیل نزدیکی (هم‌مرز شدن) رژیم صهیونیستی به مرزهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران، عادی سازی روابط، زمینه ساز اتحاد راهبردی کشورهای عربی علیه جمهوری اسلامی ایران و تغییر در نظم ژئوپلیتیک (شکننده) موجود در منطقه در جایگاه‌های بعدی فرایند ضد امنیتی در حال شکل‌گیری علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. در نهایت گزینه‌های عادی سازی روابط اعراب و رژیم صهیونیستی، تقویت‌کننده احتمال اقدام نظامی علیه ایران، انجام اقدامات علیه مبادلات اقتصادی و تجاری ایران و کشورهای منطقه و عادی‌سازی روابط اعراب و رژیم صهیونیستی، تقویت‌کننده ناآرامی‌های داخلی ایران با حداقل میانگین تحصیل شده، از کمترین سطح تاثیر گذاری تهدید ناشی از عادی سازی روابط کشورهای عربی (با تأکید بر امارات و بحرین) بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران برخوردار هستند.

۴. نتیجه‌گیری

۴-۱. جمع‌بندی

عادی‌سازی روابط همسایگان جنوبی جمهوری اسلامی ایران با رژیم صهیونیستی، یکی از مهم‌ترین تحولات در غرب آسیا در سال‌های اخیر و تهدیدی جدی برای امنیت ملی ایران است. رژیم صهیونیستی با حضور در کشورهای همسایه ایران، می‌تواند به رصد و کنترل کنش‌ها و اقدامات ایران پرداخته و امنیت ملی آن را به خطر اندازد. بنابراین با توجه به وضعیت موازنه تهدید در یک شرایطی که ماریج دفاعی و امنیتی میان بازیگران منطقه‌ای در حوزه ژئوپلیتیک نزدیک ج.ا.ایران شکل گرفته؛ راهبرد تهدید در برابر تهدید، راهبردی دفاعی فعال است که براساس اصول و مؤلفه‌های مشخص، به دنبال حفظ منافع ملی جمهوری اسلامی ایران است. بر اساس دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) مبنی بر برخورد شدید با دشمنان و مقابله با تعدی، خیر و برکت بودن جهاد، عدم وابستگی و حفظ استقلال و عزت، و باور به توانمندی‌های داخلی، شکل گرفته است (صباحی و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۷۲).

بنابراین از آنجایی که هنوز توازن منطقه‌ای در حال دگرگونی و انبساط-انقباض هست و به ثبات کامل نرسیده است و همچنان شاهد عدم شکل‌گیری یک نظام امنیتی باثبات

هستیم، بنابراین بازیگران در یک پیچیدگی یا ترس امنیتی به سر می‌برند؛ در این میان گرچه جمهوری اسلامی ایران و محور شیعه تاکنون دست بالا را داشته است، ولی باید توجه نمود که اگر چنانچه با توجه به فرآیند تحولات، دور اندیشی نشود، به معنی آن است که این توازن قوا به شکل دائمی به نفع ایران باقی می‌ماند؛ ایران باید تهدید نبودن خود برای کشورهای همسایه جنوبی (کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس) را اثبات نموده تا آنها نیز در نهایت به این درک برسند که نتیجه پافشاری در سمت اشتباه ایستادن و ورود بازیگران فرامنطقه ای به بی‌ثباتی روزافزون می‌انجامد؛ بر همین اساس باید در نظر بگیرند که آنها در یک ساختار امنیتی مشترک قرار گرفته‌اند و منافع مشترک فراوانی دارند که با تأکید بر آن می‌توانند از تصمیمات یک‌جانبه جلوگیری و با تکیه بر دیپلماسی و گفت‌وگو راه‌حل‌هایی مشترک، برای بحران‌های منطقه پیدا نمایند و تأکید نمایند که در محیط و ساختار امنیتی و راهبردی مشترک، ضمن تشخیص و تعیین دقیق منابع ناامنی که توانایی آسیب زدن به ساختار امنیتی کشورهای منطقه داشته باشد، به سمت یافتن راه‌حلی براساس همکاری بروند. تنها راه ثبات و شکل‌گیری امنیتی جدید، فاصله گرفتن از رقابت و تصمیم‌های یک‌جانبه و حرکت به سمت یک نقطه یکتا و مشترک برای یافتن راه‌حل در چارچوب ساختار جدید شکل داده شده است.

جمع بندی یافته‌های نظری پژوهش مبین این واقعیت است که پیامدهای خطرناک ناشی از حضور رژیم اشغالگر قدس در منطقه خلیج فارس، شرایط امنیتی منطقه را بیش از هر زمان دیگری پیچیده نموده و تداوم این رویه و گسترش دامنه روند عادی سازی روابط اعراب و رژیم صهیونیستی، موازنه قدرت و امنیت منطقه جنوب غرب آسیا و حوزه خلیج فارس را از لحاظ سیاسی و امنیتی تغییر خواهد داد که با توجه به ضدیت جمهوری اسلامی ایران با فلسفه وجودی رژیم صهیونیستی و پرچم‌دار بودن در احقاق حقوق ملت فلسطین و مقابله با زیاده‌خواهی‌های ضد انسانی این رژیم، جریان مخرب ایجاد شده به گونه‌ای کامل، بیشترین اثر خود را علیه منافع و امنیت جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت خواهد داشت.

در تحلیل یافته‌های میدانی و کتابخانه‌ای پژوهش نیز، پیامدهای امنیتی، پیمان ابراهیم بر راهبردهای دفاعی ج.ا. ایران، شکسته شدن قبح برقراری روابط رسمی با رژیم صهیونیستی و به دنبال آن شکل‌گیری دومینوی روابط رسمی با این رژیم، اصلی‌ترین تهدیدهای روند سازش موصوف علیه جمهوری اسلامی ایران است و تهدید مشخص شده بعدی، تقویت

توانایی‌های نظامی و تسلیحاتی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس (به‌عنوان تهدیدهای حوزه سرزمینی جمهوری اسلامی ایران) است و مولفه‌های دیگر این تهدید نیز در مرحله بعدی، اولویت‌بندی تهدیدهای مرتبط با روند پیمان موصوف بیان شده است. در خاتمه لازم به اشاره این که، اگرچه مسئله فلسطین دیگر حضوری برجسته در تقویم سیاست خارجی بسیاری از همسایگان جنوبی جمهوری اسلامی ایران در حاشیه خلیج فارس حتی با وجود رویدادهای اکتبر ۲۰۲۳ (عملیات طوفان الاقصی) ندارد؛ ولی عادی‌سازی جمعی روابط با رژیم صهیونیستی در جهان عرب صورت نخواهد گرفت؛ چراکه به طور قطع سران سیاسی این کشور در بستر عمومی جامعه با مقاومت روبرو خواهند شد. اما رهبران سیاسی این کشورها به دلیل آنکه همچنان می‌خواهند زیر چتر سیاسی، دفاعی و امنیتی ایالات متحده باقی بمانند تلاش می‌کنند حداقل موضوع عادی‌سازی به شکل سطحی در حد تبادلات دوجانبه با رژیم صهیونیستی را آغاز کنند تا از چیدمان‌های احتمالی ایالات متحده بر کنار نمانده و این تبادلات می‌تواند جایگزین شناسایی رسمی رژیم صهیونیستی شود و به باز کردن دفاتر ارتباطاتی و مجاز شدن گردشگری متقابل بیانجامد. با همه این دلایل از منظر راهبردی فرآیند عادی‌سازی، تنها ابتکاری محاسبه شده است که با هدف منفعت‌های کوتاه مدت طراحی شده است که در نهایت به جای برقراری ثبات و صلح بر دامنه پیچیدگی امنیتی می‌افزاید.

۲-۴. پیشنهادها و راهکارهای کاربردی

جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با عادی‌سازی روابط اعراب و رژیم صهیونیستی، می‌باید اقدامات زیر را انجام دهد:

۱-۲-۴. **موضع‌گیری قاطع در عرصه بین‌المللی:** ایران باید با اجماعی از کشورهای دوست منطقه، بر علیه عادی‌سازی روابط کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس و رژیم صهیونیستی موضع‌گیری کند.

۲-۲-۴. **حمایت از مبارزه‌های مردم فلسطین:** ایران باید از مبارزه‌های مردم فلسطین برای آزادی سرزمین خود حمایت کند.

۳-۲-۴. **توجه ویژه به توازن میان آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی:** که در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۴-۲-۴. **تقویت توانمندی‌های دفاعی:** ایران باید توانمندی‌های دفاعی خود را برای مقابله با تهدیدات رژیم صهیونیستی تقویت کند.

منابع و یادداشت‌ها

الف. منابع فارسی

۱. آقاجانی منقاری، پوریا؛ اشرفی، اکبر؛ توحیدفام، محمد (۱۴۰۱). پیمان ابراهیم، کنش فعال ایران در غرب آسیا و مداخله فرمانطقه‌ای ایالت متحده، فصلنامه علوم سیاسی، سال بیست و پنجم، شماره نود و نهم.
۲. آقاجانی منقاری، پوریا؛ اشرفی، اکبر؛ توحیدفام، محمد؛ و جلالی، رضا. (۱۴۰۲). نقش رژیم صهیونیستی در شکل‌گیری و تحکیم پیمان ابراهیم. پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۵۵.
۳. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال؛ وکیلی، بهنام؛ و کریمی، مهدی. (۱۴۰۰). عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی و پیامدهای امنیتی آن برای جمهوری اسلامی ایران. علوم سیاسی - دانشگاه باقرالعلوم (ع)، شماره ۹۶.
۴. صباحی، مجتبی؛ محمدی، داود؛ و جعفری‌فر، احسان. (۱۴۰۱). بررسی مبانی فکری راهبرد دفاعی از دیدگاه حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی). مطالعات دفاع مقدس، شماره ۲۹.
۵. کمالی، محمدرضا؛ الهامی، امیر حسین؛ و نبی زاده، بابک. (۱۴۰۰). روابط سیاسی رژیم صهیونیستی و کشورهای حوزه خلیج فارس و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، شماره ۷.
۶. مقومی، امیررضا؛ و جاودانی مقدم، مهدی. (۱۴۰۱). واکاوی علل و انگیزه‌های امارات متحده عربی در عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی و پیامدهای آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. آفاق امنیت، شماره ۵۵.
۷. ملکی، محمدرضا؛ و محمدزاده ابراهیمی، فرزاد. (۲۰۲۰). چشم‌انداز صلح خاورمیانه در سایه عادی‌سازی روابط اسرائیل و جهان عرب. فصلنامه مطالعات بین‌المللی شماره ۱۷.

ب. منابع انگلیسی

۱. -Ben-Ami, Shlomo. (2020). *The Consequences of the Israel-Uae Peace Deal*. Retrieved From: <https://www.aspistrategist.org.au/The-Consequences-Of-The-Israel-Uae-Peace-Deal>.
۲. -Edmondson, C. (2020). "Senate Rejects Attempted Blockade of Weapons Sale to U.A.E" *The New York Times*". December 9, at: <https://www.nytime.com>.
۳. -Friedman, Brandon (2021), *Israeli-Arab Normalizations: An Inflexion Point for the Middle Eastern Politics*, Institut Montaigne.
۴. -Grathwohl, L. (2023). *UAE-Israel accord will drive economic growth in the Middle East*, Atlantic council. Available at:

anticcouncil.org/blogs/menasource/uae-israel-accord-will-drive-economic-growth-in-the-middle-east.

۵. -Helfont, Samuel. (2023). *The Limits Of Israeli Sea Power And The Threat Of Escalation With Iran.* Retrieved From: <https://www.hoover.org/research/limits-israeli-sea-power-and-threat-escalation-iran>.
۶. -Noa Landau (2023). et al. "Netanyahu says Israel to sale of f-35s to UAE, Gantz: Talks were Kept from Me. Hanretz", 23 oct.
۷. Robinson, Nicole. (2022). *Abraham Accords Pave Way for Previously Unthinkable Arab-Israeli Defense Cooperation.* Retrieved From: <https://www.heritage.org/middle-east/commentary/abraham-accords-pave-way-previously-unthinkable-arab-israeli>
۸. -Simon, Steven (2021), *Israel and the Persian Gulf: A Source of Security or Conflict? The Quincy Institute for Responsible Statecraft.*
۹. -Times of Israel. (2022). *Israel, neighbors weighing pact to defend against threat of suicide drones — TV.* Retrieved From: <https://www.timesofisrael.com/israel-neighbors-weighing-pact-to-defend-against-threat-of-suicide-drones-tv>.
